فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، ص ص۲۵-۱

تحولات بحرین؛ بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی امنیّت ملّی جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا حاتمی[1]
استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام‌نور

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰٤/۲۹

چکیده

این مقاله با رویکرد توصیفی- تحلیلی در پی واکاوی تحولات بحرین و تبیین چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی امنیّت ملّی ایران سامان یافته است. بدین منظور پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با الگوگیری از رویکرد ترکیبی رهیافت سوم لی نور جی. مارتین در مطالعهٔ امنیت ملی کشورهای خاورمیانه و با در نظر گرفتن پنج متغیر مستقل دخیل در این رویکرد (ترکیبی از متغیرهای نظامی و غیرنظامی)، به تأثیر تحولات بحرین بر امنیت و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بپردازد. ماحصل پژوهش حاضر به فرصت‌هایی امنیتی همچون تقویت ژئوپلتیک شیعه، گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و توسعهٔ الگوی اسلام سیاسی آن، کمرنگ شدن نقش و حضور بازیگران رقیب و متاخصم و اثبات رویکرد گزینشی آمریکا و اتحادیه اروپا، و چالش‌هایی چون تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، افزایش تنش‌های قومی و مذهبی، تضاد منافع با کشورهای عربی منطقه و نیز تشدید و تداوم پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی اشاره دارد.

واژه‌های کلیدی: بحرین، امنیت ملی، ایران، لی نور جی. مارتین.

1. hatami5@yahoo.com.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

مقدمه

بحرین به‌عنوان یکی از شش عضو شورای همکاری خلیج فارس، با توجه به زمینه‌های تاریخی و ساختاری خاص خود در روند منطقه‌ای، از فوریه ۲۰۱۱ دچار تحولاتی شده که تاکنون تداوم داشته است. اما این تحولات و ابعاد، پیامدها و واکنش‌های مربوط به آن، تنها به مرزهای این کشور محدود نشده است و ابعاد و اهمیت منطقه‌ای بالایی یافته است. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مؤثر در تحولات منطقه در قبال این تحولات با فرصت‌ها و چالش‌هایی امنیتی روبه‌روست. به‌طور خلاصه، علت‌های گوناگون ذیل، بررسی و مطالعه تحولات بحرین از اهمیتی کاربردی برای امنیت ملی ایران برخوردار است: نزدیکی جغرافیایی، پیوندهای تاریخی، وجود اکثریت شیعیان در بحرین، نقش بارز علمای دینی و شیعی در این کشور، روابط نزدیک میان پادشاهی این کشور و پادشاهی عربستان، پیوندهای اجتماعی قوی با فرهنگ و جامعهٔ ایران، شکاف زیاد میان جامعه و حاکمان، استقرار ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین، ارائهٔ طرح الحاق بحرین به عربستان سعودی.

پرسش اصلی مقاله حاضر به تأثیر تحولات بحرین بر امنیت و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. در پاسخ به سؤال اصلی، فرض مقاله این است که تحولات بحرین فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش روی امنیت جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. بر این اساس، تحولات بحرین به‌عنوان متغیر مستقل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران متغیر وابسته این مقاله هستند. این مقاله با توجه به متغیرهای خود، شاخص‌های مختلف امنیتی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا به این پرسش پاسخ دهد که تأثیر این تحولات بر امنیت ملی ایران چگونه بوده است. بنابراین در این مقاله سعی بر آن است با روش توصیفی ـ تحلیلی و از طریق مطالعهٔ اسنادی و کتابخانه‌ای و با الگوگیری از رویکرد ترکیبی رهیافت سوم لی نور جی. مارتین، در دو بخش اصلی صرفاً به بیان چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی امنیت ایران در صورت تداوم ناآرامی‌ها و بقای حکومت و یا تغییر و اصلاح حکومت آل‌خلیفه بپردازیم.

چارچوب نظری

هرچند هر یک از رویکردهای مطالعاتی در بررسی‌های امنیت ملی نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند، مهم انتخاب چارچوب تحلیلی متناسب با منطقه یا کشوری است که پژوهشگر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

در صدد تحلیل مسائل امنیت ملی آن است. این انتخاب به‌ویژه در تحلیل امنیت ملی کشورهای جهان سوم از جمله ایران از پیچیدگی و دشواری بیشتری برخوردار است؛ چرا که متغیرها و مؤلفه‌های بیشتری در امنیت ملی آنها دخیل است.

رویکرد رئالیستی در تحلیل امنیت ملی به‌رغم تأکید بر متغیرهایی عمده و تأثیرگذار، انسجام تحلیلی بیشتر آن نسبت به سایر رویکردهای نظری و پشتوانه نظری و تسلط نسبی آن در مطالعات امنیتی، از کاستی‌ها و ضعف‌های قابل‌توجهی نیز در تحلیل امنیت ملی کشوری چون ایران برخوردار است. این رویکرد به‌علت دولت‌محور بودن و نظامی‌گرایی، بسیاری دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار در امنیت ملی از جمله ابعاد اجتماعی و انگاره‌ای را نادیده می‌گیرد و به آسیب‌پذیری‌های درونی که در نتیجهٔ برخی تهدیدات بیرونی می‌تواند تشدید شود، توجهی نمی‌کند. در رویکرد لیبرالی به ابعاد بیشتری از امنیت ملی، فراتر از ابعاد نظامی و چارچوب دولت‌محور، پرداخته می‌شود امّا با این حال به‌نظر می‌رسد این رویکرد برای تحلیل امنیت ملی کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته غربی مناسب است و شرایط کنونی این کشورها را مبنایی برای طرح انگاره‌ها و چارچوب تحلیلی خود قرار می‌دهد. نظریه‌هایی مانند صلح دموکراتیک و کارکردگرایی بر مبنای ویژگی‌های فرهنگی، نهادی و اقتصادی غربی قرار دارند و برای تحلیل امنیت ملی کشورهایی مانند ایران، نمی‌توانند چندان مؤثر واقع شوند (مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری، 1390/4/16-nahad.govir.ir).

برخی اندیشه‌گران کوشیده‌اند مشکلات فوق را با طرح رهیافت سومی سامان دهند. امنیت ملی در رهیافت سوم از طریق تأکید اندک بر مؤلفه‌های نظامی و تأکید بیشتر بر عوامل غیرنظامی تعریف می‌شود که می‌تواند برای تبیین وضعیت کشورهای جهان سوم مناسب باشد (مارتین، ۱۳۸۹: ۳۳). بخش اعظم و اصلی رهیافت سوم در تبیین امنیت ملی، مردود دانستن تحلیل غرب‌محور رئالیستی است. این تحلیل حاصل تجربه آمریکا و اروپای غربی پس از جنگ جهانی اول است، در حالی که رهیافت سوم، پارادایم امنیت را بر اساس تجربه جهان سوم طراحی می‌کند. در رهیافت حاضر عقیده بر این است که انتخاب متغیرهایی که در امنیت ملی کشورها مهم هستند ممکن است متأثر از شرایط منطقه‌ای باشد (مارتین، ۱۳۸۹: ۵۰).

از جمله متفکرانی که در قالب این رهیافت قابل طبقه‌بندی هستند عبارتند از: باری بوزان، ادوارد آزر، چونگ این مون، محمد ایوب و لی نور جی. مارتین. به‌عنوان مثال، مارتین برآن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

اســت که با افزایش قدرت توضیح‌دهندگی رهیافت سوم، یک الگوی نوین مطالعه امنیت ملی پیشنهاد کند که شامل پنج متغیر کوچک اما منسجم (یک متغیر نظامی و چهار متغیر غیرنظامی) است. پنج متغیر مستقل دخیل در پارادایم امنیت ملی عبارتند از: قابلیت‌های نظامی، مشروعیت سیاســی، مدارای قومی - مذهبی، توانایی اقتصادی و دسترســی به منابع حیاتی. تفاوت عمدهٔ رویکرد ترکیبی در مقایســه با رویکردهای دیگر این اســت که این رهیافت عوامل گوناگون غیرنظامی را در کنار دفاع نظامی در نظر می‌آورد که چنین امری می‌تواند ملزومات اصلی امنیت ملی را معرفی نماید. رویکرد ترکیبی دولت را به‌عنوان ســطح تحلیل اساسی در نظر می‌گیرد؛ چــرا که دولت در روابط بین‌المللی به‌طور اعم و در منطقــهٔ خاورمیانه به‌طور اخص مهم‌ترین واحد عمل‌کننده در نظر گرفته شــده اســت. همچنین دولت کانون اصلی سیاســت‌گذاری در مورد مسائل مربوط به امنیت ملی به‌شمار می‌رود. در واقع پارادایم پیشنهادی، نخستین کوشش برای تبیین امنیت ملی کشورهای منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آید (مارتین، ۱۳۸۹: ۴۰).

بــا توجه به ویژگی‌هــا و ضعف‌های هر یک از رویکردهای فوق بــرای تحلیل امنیت ملی ایران، به‌نظر می‌رسد رویکرد ترکیبی ارائه‌شده از سوی لی نور جی. مارتین برای مطالعهٔ امنیت ملی کشورهای خاورمیانه و به‌ویژه ایران در پژوهش حاضر، نسبت به سایر رویکردها مناسب‌تر باشــد. این مقاله در صدد بررســی تأثیر تحولات اخیر بحرین بر منطقه خلیج فارس و به‌ویژه بر امنیت ایران هســتیم. منظور از تحول، وقایع و اتفاقاتی اســت که امکان تغییرات پایدارتری را در منطقــه فراهم می‌کند. این تغییرات می‌تواند در جهت ثبات منطقه یا ایجاد بحران باشــد. بر این اســاس، مارتین معتقد اســت که خاورمیانه را می‌توان بین‌المللی‌ترین منطقه دنیا دانســت. مســائل این منطقه، محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ســاخت قدرت در درون کشــورهای منطقه ربط وثیقی دارد. در چنین شــرایط پیچیده‌ای است که تهدیدات خارجــی با آســیب‌پذیری داخلی هماهنگ شــده و بحران و منازعه منطقه‌ای شــکل می‌گیرد (مارتیــن، ۱۳۸۹: ۱۷). در حال حاضر، پیچیده‌ترین بُعــد روابط ایرانی- عربی، در منطقه خلیج فارس اســت؛ یعنی همان جایی که به‌ظاهر پیوندها و اشــتراکات ایرانی - عربی بســیار فراتر و قوی‌تــر از عوامل تفرقه‌انگیز اســت و بقا، امنیت و توســعه اقتصادی کشــورهای این منطقه به یکدیگر پیوســتگی تام دارد. بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، جمهوری اسلامی ایران باید تا ســال ۱۴۰۴ شمسی، به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری منطقه تبدیل شود. به‌نظر می‌رسد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

منطقه مورد نظر سـند چشم‌انداز عمدتاً خاورمیانه و خلیج فارس را شامل می‌شود. از این‌روی، مهم‌ترین مانع و چالش تحقق اهداف سـند چشم‌انداز نیز همین کشورهای عربی خواهند بود؛ چرا که این کشـورها از ورود به همکاری‌های جدی با ایران که باعث تثبیت و ارتقاء جایگاه ایران می‌شـود، خودداری می‌نمایند. ایران اگر می‌خواهد به قدرت اول در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل شـود، باید به چگونگی روابط با جهان عـرب توجه کند (واعظی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹). واقعیت امروز روابط ایران و اعراب در منطقه خلیج فارس انعکاسی از تداخل سطوح مختلف از منافع، نگرانی‌های امنیتی و تغییرات ژئوپلتیکی است. شناخت تغییرات منطقه و نقش بازیگران آن می‌تواند به درک فضای کنونی بین ایران و اعراب کمک نماید (فرازمند، ۱۳۸۸: ۴۳). با توجه به این مسـائل، این سؤال مطرح اسـت که تحولات اخیر بحرین چه آثار مثبت و منفی‌ای روی امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران دارد؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

تحولات بحرین

از لحاظ سیاسـی ماهیت رژیم سیاسـی بحرین، پادشاهی مشروطه اسـت و طبق قانون اساسی، بحرین به‌عنوان یک امیرنشـین موروثی تحت حاکمیت آل خلیفه است (الزیدی، ۱۳۸۲: ۲۳). خانـدان آل‌خلیفه از سـال ۱۸۲۰م[1] قدرت را در این جزیره به‌دسـت گرفتند. با اینکه اکثریت جمعیت بحرین شـیعه‌مذهب‌اند، اما حکومت و قدرت سیاسی در دست اقلیت سنی‌مذهب این کشـور قرار دارد. این کشور به‌لحاظ شکل سازمان‌دهی داخلی، کشوری بسیط است و به‌علت کوچکی این مجمع‌الجزایر، کنترل حکومت مرکزی بر همه مناطق آن به‌صورت یکپارچه و به یک میزان اعمال می‌شود (میررضوی و احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

حمد بن عیسـی آل‌خلیفه، پادشاه بحرین که بعد از فوت پدرش در مارس ۱۹۹۹ به قدرت رسـید، بر اثر فشارهای داخلی و خارجی تمایلاتی مبنی بر انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی نشـان داد. وی به‌فاصله کوتاهی پس از به قدرت رسـیدن به اتخاذ سیاست‌های جدیدی روی آورد که در مجموع تأثیراتی بر اوضاع داخلی و وضعیت سیاسی این کشور داشت و دورنمایی

۱. هرچند آل خلیفه به‌عنوان بخشی از خاندان آل‌عتوب از سال ۱۷۸۳ در بحرین مستقر شدند ولی معیار سال ۱۸۲۰ به‌علت عقد قرارداد انگلسـتان با بحرین است که به‌منزله مستقل دانستن حاکمیت بحرین از ایران بود. ر.ک: سارا زمان‌نژاد بافرانی و مرتضـی دهقان نژاد (۱۳۹۰) «واکاوی مهاجرت آل‌عتوب به خلیج فارس و تسـلط بر بحریـن»، **فصلنامه تاریخ روابط خارجی**، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-03031]

را ترسیم می‌کرد که امید به ایجاد فضای باز سیاسی و برقراری آشتی ملی را تداعی می‌کرد و به بازگشت برخی مخالفان به صحنه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بحرین انجامید. اولین اقدام در فوریه ۲۰۰۱، امیر بحرین دستور همه‌پرسی «منشور جدید ملی» را صادر کرد. در این منشور مواردی همچون برقراری انتخابات آزاد مجلس، گسترش آزادی‌های شخصی، برخورداری شهروندان از حقوق برابر، استقلال قوه قضائیه، اجازه فعالیت اجتماعی بیشتر و حق رأی و شرکت زنان در انتخابات مجلس گنجانده شد. اقدامات فوری دولت نیز شامل حذف «دادگاه امنیتی حکومتی» و «قوانین ویژه امنیتی» بود که بعد از ناآرامی‌های داخلی در سال ۱۹۹۵ برقرار شده بودند (بازدار، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

به‌رغم این تحولات، آنچه همیشه در مورد جامعه بحرین در مجامع بین‌المللی مطرح بوده است رفتار ناخوشایند حقوق بشری این حکومت در قبال شهروندان آن، به‌خصوص نسبت به اکثریت شیعه این جزیره است. به‌طور مشخص اولین گزارش حقوق بشری درباره بحرین در ژوئن سال ۱۹۹۷ توسط دیده‌بان حقوق بشر خاورمیانه[1] در ۱۷۷ صفحه منتشر شد.[2] بیش از دو دهه است که فعالان حقوق بشری در سرتاسر جهان از نقض حقوق بشر و اعمال حاکمیت حکومت اقلیتی محدود و مورد حمایت عربستان و آمریکا بر اکثریتی محروم سخن می‌گویند. برای مثال، ایالات متحده بر اساس گزارشاتی که خود منتشر کرده، از جمله به‌طور مرتب از سال ۱۹۹۹تاکنون در گزارش‌های سالانه حقوق بشری وزارت خارجه آمریکا و نهادهای مدنی حقوق بشری، بر نقض حقوق بشر توسط دولت بحرین وقوف کامل دارد اما به‌عنوان حامی دولت بحرین همیشه اقدامات حداقلی حقوق بشری حکومت آل‌خلیفه را مهم و برجسته دانسته است (بدیعی ازنداهی و مختاری یوسف‌آباد، ۱۳۹۱: ۲).

در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱ کشورهای عربی- اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد تحولاتی بود که از سوی ناظران جهانی پیش‌بینی‌ناپذیر و تکان‌دهنده بود. در این کشورها خیزش‌های مردمی گسترده با خواست‌ها و مطالباتی بی‌سابقه همانند خواست سرنگونی حکومت‌های وقت و ایجاد نظامی جدید بر اساس قواعد دموکراتیک، برپایی جامعه مدنی و حکومت مردمی همراه بود. رشد و گسترش این اعتراضات مردمی به‌صورت دومینووار سبب

1. Human Rights Watch Middle East.
2. Routine Abuse, Routine Denial, Civil Rights and the Political Crisis in Bahrain.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

شـد تا برخی از حاکمان از جمله در کشـورهای تونس، مصر، لیبی و یمـن از قدرت برکنار شـوند اما در کشـور بحرین حکومت همچنان پابرجا و اعتراضات مردمـی نیز کماکان ادامه دارد (خواجه‌سـروی و دیگـران، ۱۳۹۱: ۷). با این تفاوت کـه حرکت‌های انقلابی در بحرین سـابقه داشته و در این کشـور از سـال ۱۹۹۰ تاکنون خیزش مردمی وجود داشته که تماماً نیز با سـرکوب دولت مواجه شده اسـت (چهل‌تنی، ۱۳۹۰: ۱۷). هرچند این خیزش‌ها با سرکوب شـدید معترضان از سوی حکومت آل‌خلیفه و مداخله نظامی عربستان و امارات روبه‌رو شد اما پس از گذشت سه سال از بروز این ناآرامی‌ها، هنوز دولت به راه‌کاری برای حل مسئله نرسیده است.

چالش‌های امنیتی تحولات بحرین برای ایران

۱. افزایش تنش‌های قومی و مذهبی: فرقه‌گرایی شیعه و سنی

یکی از تهدیدات مهم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحولات بحرین، بی‌ثباتی‌ها و ناامنی‌هـای دوره گذار اسـت. به‌عبارت دیگر، تغییر نظام سیاسـی و انتقال قدرت به رهبران سیاسـی جدید در این کشـور با تشـدید تنش‌ها و اختلافات قومی و فرقه‌ای، و احتمال بروز جنـگ داخلی همراه اسـت که می‌تواند بر یکپارچگی و مـدارای مذهبی به‌خصوص در میان شیعیان و سنی‌های منطقه تأثیرگذار باشد.

تنش بین شـیعیان و سنیان به‌ویژه در کشـورهای حوزه خلیج فارس، جایی که جریان‌های وهابی و سـلفی احساسـات ضدشـیعی افراط‌گرایانه را می‌پرورانند و جایی که حکومت‌های سنی‌مذهب بر اقلیت‌های قابل توجه شیعه حکمرانی می‌کنند (و در مورد بحرین اکثریت شیعه)، برجسـته اسـت. بحث و جدل‌های ضدشیعی و ضدایرانی در این کشـورها معمول بوده است. احساسات ضدشـیعی به‌ویژه در بحرین کینه‌جویانه است. افزایش تنش‌های فرقه‌گرایانه اخیراً در بحرین آغاز شده است؛ جایی که خانواده حاکم سنی در مارس ۲۰۱۱ جنبش معترضان که اکثراً جمعیت شیعه را نمایندگی می‌کردند سرکوب نمود (استین برگ،۲۰۱۳[1]: ۶۲). هرچند در ناآرامی‌های بحرین در ابتدا اقشـار مختلفی اعم از شیعیان و سنی‌ها و همچنین احزاب سکولار و دینی حضور داشـتند و مهمتریـن مطالبات، اصلاحات دموکراتیـک و رفع تبعیض مذهبی

.1 Guido Steinberg.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

بود، با این حال تلاش‌های بسیاری از سوی رژیم آل‌خلیفه و رسانه‌های عربی صورت گرفت تا قیام مردم بحرین جنبشی فرقه‌ای و شیعی و متأثر از ایران مطرح شود. این‌گونه اتهامات و رویکردها در شکاف بین شیعیان و سنی‌های بحرینی مشارکت‌کننده در قیام و همچنین بسترسازی منطقه‌ای و بین‌المللی برای سرکوب قیام بی‌تأثیر نبود (اسدی، ۱۳۹۰: ۷۵).

افزایش قطب‌بندی افکار عمومی در خلیج فارس در امتداد خطوط فرقه‌گرایانه با وقوع حوادث سوریه شدت بیشتری یافت. قطر و عربستان سعودی شروع به حمایت قابل توجه از شورشیان سنی در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و ارسال کمک‌های خصوصی به حامیان وهابی، سلفی و اخوان‌المسلمین نمودند. اکثر شیعیان این سیاست را به‌عنوان شواهدی از فرقه‌گرایی رو به افزایش رژیم و جمعیت سنی‌مذهب خلیج فارس تفسیر کردند. این امر منجر به قطب‌بندی فزاینده تلخی در بین شهروندان خلیج فارس در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ شده است (استین برگ، ۲۰۱۳: ۶۵-۶۳).

این تحولات همچنین منجر به بازی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با کارت فرقه‌گرایی شده است. با منحصر بودن «باشگاه حکومت‌های سلطنتی» خلیج فارس به مسلمانان اهل تسنن، تعجّب‌آور نیست که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بکوشند از نیروهای سنی سرتاسر منطقه پشتیبانی نمایند. شورای همکاری خلیج فارس هم از رژیم‌های سنی در مقابل تهدید مخالفان شیعی که اکثریت جمعیت را شامل می‌شوند (در مورد بحرین) و هم از جنبش‌های سنی در جنگ با دولت‌های غیرسنی، همچون حکومت بشار اسد در سوریه (خانواده اسد به علویان، شاخه‌ای از شیعیان، تعلق دارند)، حمایت می‌کند (کُلمبو،۲۰۱۳[1]: ۱۰).

بی‌شک این رقابت‌های گفتمانی درون دینی در صورتی که از حدود خود خارج شود، در روابط کشورهای منطقه از یک سو و ثبات و صلح در فرایند دولت‌سازی در بحرین از سوی دیگر، تأثیر منفی خواهد داشت و اختلافات داخلی، قومی و مذهبی در کشورهای منطقه را تشدید می‌کند. از آنجا که اختلافات و رقابت‌های گفتمان‌ها، در نهایت به امنیت سیاسی و هستی‌شناختی هر یک از این کشورهای حامی گفتمان‌ها آسیب وارد می‌کند، هر یک از این کشورها می‌کوشند با بسط اختلافات خود در روابط دوجانبه، یا در چارچوب ایجاد مانع برای رقیب در سطح منطقه، به بسط اختلافات در سراسر منطقه دامن زنند. برای مثال، رقابت

1. Colombo Silvia.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

جدی عربستان و ایران برای عرضه مدل حکومتی خود به کشورهای منطقه، از عرصه گفتمانی به مسائل داخلی سوریه و عراق تعمیم یافته و سبب افزایش اختلافات آنها و در نهایت، تأثیر بر امنیت کل منطقه شده است. گسترش و ادامه یافتن این اختلافات، در کنار تقویت حضور و نقش نیروهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکا، برای امنیت ملی ایران پیامدهایی منفی خواهد داشت (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۷۸).

۲. تضاد منافع با کشورهای عربی منطقه: شورای همکاری خلیج فارس و عربستان

بحرین به‌عنوان یکی از شش عضو شورای همکاری خلیج فارس، با توجه به زمینه‌های تاریخی و ساختاری خاص خود از فوریه سال ۲۰۱۱ تاکنون دچار تحولاتی با ابعاد و اهمیّتی منطقه‌ای شده است. از این‌رو، وقوع هرگونه تحول در بحرین می‌تواند اثرات پایدار و معناداری بر سطح جامعه و حکومت در شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و بر روابط آنها با ایران و به‌ویژه با عربستان به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای داشته باشد.

۲-۱. شورای همکاری خلیج فارس

بحرین خودش را با ساختار سیاسی شورای همکاری خلیج فارس مبنی بر حمایت متقابل از یکدیگر به‌منظور حفظ وضع موجود تطبیق داده است. این شبکه حمایتی منطقه‌ای، بر این مفروضه استوار است که اگر یکی از دولت‌ها سقوط کند، می‌تواند منجر به سقوط کل منطقه شود. این موضوع به بحرین، در مقایسه با سقوط دولت غیرسلطنتی‌ای همچون حزب بعث در عراق، یک اهمیت راهبردی مهم می‌دهد. خانواده آل‌خلیفه ثباتش را به‌وسیله ادغام در شورای همکاری خلیج فارس تقویت می‌کند. برخلاف پیش‌فرض‌های اساسی واقع‌گرایانه، همکاری در این زمینه به‌عنوان یک نیاز در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در نظر گرفته می‌شود؛ به‌دلیل این اعتقاد که سقوط یکی از حکومت‌های سلطنتی اثر دومینویی ایجاد می‌کند. این موضوع در بین دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس یک راهبرد است و این دولت‌ها یک رویکرد جامع حمایتی را برای تضمین ثبات همه اعضاء در صورت بروز بی‌ثباتی در نظر گرفته‌اند (دانز،[1] ۲۰۱۳: ۲۱۷).

از این‌رو، واکنش سنگین شورای همکاری خلیج فارس در مقابل معترضان بحرینی در تضاد با رویکرد به دیگر ناآرامی‌های رخ داده در خارج از منطقه خلیج فارس، به‌خصوص

1. Kevin Downs.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

لیبی و سـوریه بود و با مفهوم «استاندارد دوگانه» قابل توضیح است. این مفهوم به تفاوت قابل توجه در مسیری که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در واکنش به ناآرامی‌های منطقه در پیـش گرفتند اشـاره دارد؛ ناآرامی‌هایی که با وجود برخی از تفاوت‌های مهم در سراسـر منطقه، در مجموع نسبت به وضع موجود سؤال داشت و دربرگیرنده تلاش‌ها در مقابل کمبود آزادی و فرصت‌هـا برای بخش‌های بزرگی از جامعه به‌ویـژه جوانان بود. تلاش برای توضیح استانداردهای شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات منطقه در سال ۲۰۱۱ با توسل به سـه تناقض ریشه‌دار ذاتی این کشورها در چارچوب جهانی و نقش آنها امکان‌پذیر است. این سه تناقض به ابعاد سیاسی مکانی، همچون درون در مقابل بیرون، ماهیت نظام سیاسی، سلطنت در تقابل با جمهوریت و هویت دینی، شیعه در برابر سنی اشاره دارد (کُلمبو، ۲۰۱۳: ۵).

از پیامدهای گسـترش خیزش مردمی بحرین به دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، افزایش تنش‌های لفظی آنان با جمهوری اسلامی ایران و این سناریوی محتمل است که روابط آنـان با جمهوری اسـلامی ایران از مرحله تنـش به قطع روابط منجر شـود که مصداق آن را می‌توان در رفتارکاوی بحرین و کویت به بهانه جاسوسـی دو تبعه ایرانی برای سـپاه پاسداران مشـاهده کرد. جمهوری اسـلامی ایران تاکنون لوایح امنیتی متعددی را پیرامون همکاری‌های دوجانبـه امنیتی با کویـت، بحرین، قطر و عمان به تصویب رسـانده اسـت. در متن اکثر این موافقت‌نامه‌ها، شـرطی قید شـده که هرگاه طرفین مصالح عالیه خـود را در مخاطره ارزیابی کنند، اجرای توافق‌نامه متوقف می‌شـود که این موضوع می‌توانـد به توافق‌نامه همکاری‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران با بحرین و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز سرایت کند (دلاورپور اقدم و فردی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۶).

۲-۲. عربستان

بحرین دارای روابط ویژه با عربستان سعودی است. خاندان حاکم در بحرین، در اصل از قبایل سـاکن سرزمین بسـته نجد واقع در عربستان سعودی هستند. پیوند سـببی آل‌خلیفه با آل‌سعود این مناسـبات را به اوج خود رسانیده اسـت. همچنین بحرین از نظر جمعیتی دارای اکثریتی از شیعیان است که می‌تواند برای عربستان سعودی که در آن شیعیان به‌صورت یک اقلیت تحت ظلم زندگی می‌کنند خطرناک باشـد. نوع حکومت در کشـورهای عضو شـورای همکاری خلیج فارس از جمله عربسـتان، عشـیره‌ای و خاندانی اسـت و با بافت اجتماعی و مسائل عصر

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-03031]

جدید تناسبی ندارد. با توجه به این ویژگی‌ها، عربستان این بیم را دارد که با سقوط حکومت آل خلیفه، حکومت آل سعود نیز سقوط کند و یا حداقل با چالشی جدی مواجه شود. بر این اساس، عربستان حفظ رژیم آل‌خلیفه را اولویت استراتژیک خود تعیین کرده است و با گسترش بحران در این کشور به گسیل نیروهای نظامی - امنیتی خود برای سرکوب شیعیان بحرینی اقدام کرد (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۶۰).

از منظر ایدئولوژیک، حکمرانی آل‌سعود طی ناآرامی‌های دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۱۱ نشان داد که در صورت ضرورت، آمادگی استفاده از زور برای حمایت از خاندان آل خلیفه را دارد. عربستان سعودی علاوه بر تحرکات سیاسی و نفوذ امنیتی بر بحرین، به‌خوبی اهرم اقتصادی را به‌وسیله شراکت در منطقه نفتی ابوسعفه که اکثریت ذخیره نفت به سرعت روبه‌کاهش بحرین را تولید می‌کند به‌کار برده است. این‌ها ناشی از این حقیقت است که بحرین در ساحل استان نفت‌خیز عربستان سعودی با اقلیت شیعه قرار گرفته. شبیه به همتایان بحرینی، شیعیان عربستانی مدتهاست از تبعیض سیستماتیک و در حاشیه قرارگیری از سوی مقامات حاکم شکایت دارند. برای مقامات عربستان سعودی استان شرقی به‌صورت نگران‌کننده‌ای با سرریز اعلامیه‌های حمایت و تظاهرات شیعیان برای برادران شیعه در سرتاسر منطقه به‌عنوان مرکز زمین‌لرزه‌ای از بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین جنبش اعتراضی در تاریخ مدرن این کشور درآمده است (کوآتس اُلریچسن،[1] ۲۰۱۳: ۸).

عربستان از این امر واهمه دارد که هر نوع قدرت‌گیری شیعیان در هر کجا جمعیت ۱۵ درصدی شیعه را که در مناطق نفت‌خیز این کشور زندگی می‌کنند جسورتر سازد. به‌همین دلیل است که سعودی‌ها سربازان خود را در «بهار عربی» ۲۰۱۱ به بحرین فرستادند تا قیام اکثریت شیعه این کشور را سرکوب سازند. تحولات منطقه و آن‌سوی آن، لرزه بر اندام سلطنت سعودی انداخته است. آنها احساس می‌کنند ناراضیانی که بهار عربی را آغاز کردند در میان جمعیت این کشور نیز حضور دارند. آنها از قدرت‌گیری ایران واهمه دارند (زکریا،[2] ۲۰۱۳).

از این‌رو، یکی از دغدغه‌های عربستان سعودی افزایش احتمال شکل‌گیری خودجوش

1. Kristian Coates Ulrichsen.
2. Fareed Zakaria.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-03031]

هسته‌های مقاومت با الگوبرداری از مدل حزب‌الله لبنان در بحرین و یمن و به‌تبع افزایش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در حیات‌خلوت خود است که یکی از انگیزه‌های ریاض برای اعزام نیرو به بحرین و سرکوب شیعیان این کشور است. در این راستا، مهمترین دلایل حضور عربستان در بحرین عبارتند از: فرافکنی مشکلات داخلی به دخالت‌های جمهوری اسلامی ایران، ارسال پیام به معترضان داخلی مبنی بر اتحاذ مشت آهنین در قبال گسترش اعتراضات، حفظ وضع موجود در بحرین، پیش‌گیری از به قدرت رسیدن یک دولت شیعی در بحرین، تحریک جمهوری اسلامی ایران برای ورود به تقابل نظامی در بحرین. همچنین این سناریو محتمل است که عربستان با رویکرد بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران، حمایت خود را از گروه‌های تروریستی وهابی و سلفی پاکستان، گروهک‌های معاند یا شبه‌نظامیان کُرد مخالف نظام مستقر در شمال عراق، برای انجام اقدامات تروریستی به‌ویژه در استان‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران، مانند کردستان و سیستان و بلوچستان، افزایش دهد (دلاورپور اقدم و فردی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۵).

۳. تداوم حضور نیروهای آمریکا در منطقه: ناوگان پنجم دریایی آمریکا

آمریکا از دیگر بازیگران مؤثر در تحولات بحرین است که با توجه به استقرار ناوگان پنجم دریایی‌اش در خاک این کشور، ثبات بحرین و تداوم بقای آل‌خلیفه برایش اهمیت راهبردی دارد. علاوه بر این، تغییر نظام سیاسی در بحرین از دیدگاه آمریکا، باعث افزایش نفوذ ایران در خلیج فارس می‌شود. از این جهت، آمریکا مخالف هرگونه تغییر ساختار قدرت در بحرین است.

۳-۱. روابط سیاسی و امنیتی آمریکا و بحرین

با آغاز ناآرامی‌های بحرین در سال ۲۰۱۱ روابط سیاسی امنیتی بحرین و آمریکا تا حدی رو به تیرگی نهاد، اما مقامات رسمی آمریکا می‌گویند که همکاری دفاعی این دو کشور آسیب قابل توجهی ندیده است. آنها می‌افزایند که احتمال آن اندک است که آمریکا پیش‌قدم شود تا از این همکاری به‌عنوان اهرمی برای فشار بر حکومت بحرین در موضوع ناآرامی‌ها استفاده کند. اگرچه مدیریت اوباما در کمک‌رسانی نظامی، امور ضدتروریسم و فروش برخی تسلیحات به بحرین ادامه داشته، برخی از کمک‌ها و فروش تسلیحات متوقف یا سطح آن نسبت به آنچه قبل از شروع ناآرامی‌ها انتظار می‌رفت کاهش داشته است. این سیاست هیچ تحریمی بر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

بحرین یا مقامات بحرینی به‌دلیل نقض حقوق بشـر تحمیل نکرده اسـت. منتقدان این سیاست، عمدتاً گروه‌های حقوق بشری همچون دیده‌بان حقوق بشر و پروژه دموکراسی در خاورمیانه، می‌گویند که واکنش آمریکا نسبت به تعهد به ارتقای حقوق بشر تحت تأثیر منافع امنیتی حیاتی این کشور قرار گرفته است. منتقدان می‌افزایند که این مدیریت بیش از اندازه نگران است که سـقوط رژیم آل‌خلیفه و اوج‌گیری حکومت به رهبری شـیعیان، نفوذ ایران را افزایش داده و منجر به ضربه‌ای ناخوشـایند به تسهیلات نظامی آمریکا در بحرین گردد. منتقدان این سیاست می‌گوینـد ادامه فـروش نظامی و کمک به حکومت بحرین، نشـان‌دهنده تاکتیک حمایت از مواضع حکومت در قبال ناآرامی‌هاست (کاتزمن،[1] ۲۰۱۴: ۲۲).

۳-۲. ناوگان پنجم دریایی آمریکا

بنیاد روابط دفاعی آمریکا و بحرین بر دسترسـی آمریکا به تسـهیلات دریایی بحرین اسـتوار اسـت. فوریه ۲۰۰۸ مصادف با شصتمین سـالگرد حضور فرماندهی نظامی آمریکا در بحرین بود. هفت هزار نیروی آمریکایی - اکثراً نیروی دریایی - در بحرین مسـتقر شـده‌اند. این مقر همچنین میزبان مرکز فرماندهی نیروهای دریایی آمریکا، ناوشـکن پنجم هوانیروز و سـومین ترکیب نیروهای دریایی آمریکا است. فرماندهی آمریکا بعد از جنگ در مقابل عراق در سال ۱۹۹۱ در سـاحل بحرین مستقر شده است. پیشـتر، مقر نیروی دریایی آمریکا در بحرین یک کشـتی فرماندهی بود کـه اکثراً در بحرین لنگر می‌گرفت و مطابق اصول فنی دور از سـاحل بـود. بحرین فراتر از میزبانی مقر نیروی دریایی آمریکا، بخشـی از ائتلاف متحدین به رهبری آمریکا بود که در سال ۱۹۹۱ عراق را از کویت بیرون راندند. بحرین به ۱۷۵۰۰ نفر از سربازان و ۲۵۰ هواپیمای جنگنده آمریکایی در پایگاه هوایی شـیخ عیسـی که در حمله طوفان صحرا علیه نیروهای عراق مشـارکت داشـتند اجازه اسـتقرار داد. بحرین و آمریکا متعاقباً به رسمی کردن توسعه همکاری‌های‌شان به‌وسیله امضاء موافقت‌نامه همکاری دفاعی در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۱ برای نخستین دوره ده ساله تصمیم گرفتند. طبق گزارش‌ها این پیمان نه‌تنها دسترسی آمریکا به پایگاه‌های هوایی بحرین را فراهم می‌آورد، بلکه درخواسـت مشاوره با بحرین در صورتی که امنیتش مورد تهدید واقع شود و آموزش نیروهای بحرینی را نیز شامل می‌گردد. طی دهه ۱۹۹۰ طـی موافقت‌نامه همکاری بحرین و آمریکا حـدود ۱۳۰۰ نظامی آمریکایی برای بازدارندگی

.1 Kenneth Katzman.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

صدام حسین در بحرین مستقر بودند. این کشور مقرهای بین‌المللی سازمان ملل متحد را نیز میزبانی می‌کند. بازرسان تسلیحاتی در عراق طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ و نیروهای بازدارنده چندملیتی به رهبری آمریکا که تحریم‌های سازمان ملل بر عراق را طی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ اجرا می‌کردند در این کشور مستقر بودند. بحرین از مارس تا آوریل ۲۰۰۳ به پرواز جنگنده‌های آمریکایی از پایگاه هوایی شیخ عیسی در هر دو عملیات آزادسازی افغانستان و خروج صدام حسین از عراق اجازه داد. در ژانویه ۲۰۰۹ بحرین صد افسر پلیس را برای مأموریت دو ساله برای کمک به عملیات باثبات‌سازی به رهبری ناتو/ آمریکا به افغانستان فرستاد. این مشارکت تا پایان مأموریت ناتو در سال ۲۰۱۴ تمدید شد (کاتزمن،۲۰۱۴:۲۴-۲۲)

بر همین اساس مؤسسه مطالعات خاورمیانه واشنگتن[1] به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فکری و مطالعاتی تخصصی آمریکا که تمرکزی جدی بر روی تحولات کشورهای منطقه خاورمیانه دارد، در گزارشی با عنوان «افزایش چالش با ایران: قابلیت‌های نظامی شورای همکاری خلیج فارس و همکاری امنیتی با آمریکا» پیشنهادات ذیل را مطرح کرده است:

اول اینکه: آمریکا باید به‌طور قوی نسبت به امنیت خلیج فارس متعهد باقی بماند. در حال حاضر، آمریکا قادر به تکرار نقش منحصربه‌فرد خود در منطقه است. حتی اگر آمریکا واردات نفت از خلیج فارس را کاهش دهد اقتصاد ایالات متحده به احتمال زیاد به ثبات قیت نفت در بازار، وابسته باقی خواهد ماند. ایالات متحده درست به‌علت اعتبارش به‌عنوان قوی‌ترین شریک نظامی در جهان، در خلیج فارس موقعیت فرماندهی دارد و یک متحد قابل اعتماد برای پادشاهی‌های خلیج فارس به‌شمار می‌آید.

دوم اینکه: نقش روشنی برای ایالات متحده وجود دارد که به‌جای استقرار عمده نیروهای نظامی‌اش در منطقه، بر همکاری‌های امنیتی نسبتاً کم‌هزینه‌تر با دولت‌های خلیج فارس تأکید کند. یک پیشنهاد بسیار مفید، ایجاد یک معماری امنیتی شبیه به ناتو در خلیج فارس است که تنها گزینه واقعی ممکن برای ایجاد سیستمی است که در آن، ارتش آمریکا همچون چسبی نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس را محکم نگه می‌دارد. ایالات متحده می‌تواند اجتماعی از منافع را در بین دولت‌های شورای همکاری ایجاد و حفظ نماید.

این گزارش افزوده است که زمان مناسبی است تا ایالات متحده آمریکا با هدف

1. The Washington Institute for Near East Policy.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

بازدارندگی ایران، تقویت و توسعه قابلیت‌های نظامی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در مناطق بحرانی را هدایت و حمایت کند (نایتس،[1] ۲۰۱۳: ۳۷). ناگفته پیداست که پیشنهادات این گزارش به‌منزله افزایش چالش امنیتی در عمق استراتژیک ایران، از طریق تقویت و تداوم حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس و به‌ویژه بحرین است.

٤. تشدید و تداوم پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی

علی‌رغم درخواست‌های ریشه‌دار مخالفان بحرینی برای تغییر، نه رژیم تغییر یافته و نه توزیع نابرابر قدرت، اما در عوض مقامات رسمی در شورای همکاری خلیج فارس از تاکتیک قدیمی سرزنش ایران برای مداخله در امور داخلی‌شان بهره می‌جویند. این تاکتیک برای دو هدف به‌کار برده می‌شود: اول اینکه رژیم (سنی) به‌وسیله تلفیق موضوع وفاداری شیعیان و مداخله ایران به‌عنوان یک تهدید، به نامشروع‌سازی هرگونه فعالیت مخالفان (شیعیان) یا تقاضا برای اصلاح می‌پردازد؛ دوم اینکه رژیم به‌وسیله ترسیم معترضان به‌عنوان بی‌وفایان به دولت بحرین، و بازی با کارت کلاسیک سنتی فرقه‌گرایی، تلاش می‌کند تا با فرقه‌ای کردن موضوع از ظهور و تبلور یکپارچه و متحد مخالفان ممانعت به‌عمل آورد. هر دوی این تاکتیک‌ها به‌طور مکرر در بحرین و دیگر کشورهای خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ استفاده گردید (کوآتس اُلریچسن، ۲۰۱۳: ۹). بر همین اساس، رهبران بحرین ایران را به همدستی در برپایی تظاهرات متهم می‌کنند و ادعا می‌کنند که تهران، شیعیان بحرین را مستقیم یا با همکاری حزب‌الله لبنان آموزش، مسلح و تأمین مالی می‌کند. به‌عنوان مثال، بحرین در اکتبر ۲۰۱۲ کاردار سفارت ایران در منامه را به‌علت مداخله در امور این کشور و این عقیده که ایران اغتشاش و فرقه‌گرایی را در بحرین تحریک می‌کند، فراخواند. مدتی کوتاه بعد از این، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، بیان کرد: «ما در این دیدگاه سهیمیم که فعالیت‌های ایران در خلیج فارس برای تحلیل بردن صلح و ثبات است» (پلتکا و کاگان،[2] ۲۰۱۴: ۳۶).

از همین‌رو، یکی از ترفندهای امریکا برجسته‌سازی جایگاه بحرین در سیاست خارجی عربستان؛ با ادعای نزدیک بودن آستانه موفقیت ایران برای به قدرت رساندن یک دولت شیعی در بحرین است. حضور نظامی عربستان تا پایان رفع تهدید خارجی، بیانگر تأثیرپذیری

1. Michael Knights.
2. Danielle Pletka and Frederick W. Kagan.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

عربســتان از آفندهای تبلیغاتی ایران‌هراسی و شــیعه هراسی است (دلاورپور اقدم و فردی‌پور، ۱۳۹۰: ۶).

ایران‌هراســی موضوع جدیدی در منطقه خاورمیانه نیســت. غرب و آمریکا همواره تلاش داشــته‌اند با گسترش موج ایران‌هراسی، به فروش تسلیحات و حضور سیاسی و نظامی خود در منطقه خاورمیانه بیفزایند. در حال حاضر شــاهد چهره‌ای امنیتی‌شــده از ایران در منطقه هستیم که این تصویرسازی اثر قابل توجهی در سیاست‌های نظامی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دارد (عسگرخانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). فارغ از مسائل داخلی و بین‌المللی، ناآرامی‌های بحرین نیز ســبب شده است دوباره تمرکز حول این موضوع افزایش یابد و فشارهای مضاعفی به‌علت این تحولات بر کشــور وارد شــود؛ فشــارهایی که به‌شــدت از میزان قدرت نرم ایران در منطقــه و جهــان می‌کاهد و می‌تواند پیامدهای منفی امنیتی به‌همراه داشــته باشــد (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

فرصت‌های امنیتی ایران در تحولات بحرین

۱. تقویت ژئوپلتیک شیعه و گسترش نفوذ ایران

ظهور ژئوپلتیک شــیعه به مفهوم تغییر قواعد و بســتر بازی راهبردی سنتی در منطقه خاورمیانه بزرگ اســت و تبعات و ملازمات مربوط به خود را در پی دارد. بدیهی اســت شکل‌گیری هر نوع موازنه جدید منطقه‌ای منبعث از ژئوپلتیک شــیعه بر نوع رفتارها و مناســبات کشــورهای خرده‌نظــام منطقه‌ای و همچنین شــکل مراودات و تعامــلات آنها با بازیگــران فرامنطقه‌ای و جهانــی اثرات جدی می‌گذارد. امروز جمعیت شــیعه منطقه به‌لحاظ کمی و کیفی رشــد قابل توجهی یافته اســت. این جمعیت در قلب خاورمیانه بزرگ اسلامی از لبنان تا شبه‌قاره هند و از تاجیکســتان تا بحرین و سواحل جنوبی خلیج فارس امتداد دارد. بیش از ۸۰ درصد از ساکنین حاشــیه خلیج فارس را که دارای سه چهارم ذخائر انرژی جهان است، شیعیان تشکیل می‌دهند (تــوال، ۱۳۸۴: ۱۳۷). مذهب شــیعه، به‌ویژه در مناطق پیرامونی ایــران، از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اســلامی ایران به‌شمار می‌رود. البته با وجود اینکه توسل به اتحاد شیعه، موقعیت ایران را به‌مثابه بازیگر فعال در منطقه تقویت کرده، دولت جمهوری اسلامی ایران برای پرهیز از اتهام‌هایی مانند برانگیختن شــیعیان منطقه علیه حکومت‌های ســنی و وابسته به غرب، بیشتر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

بر ارزش‌های مشـترک در میان امت اسـلام تکیه و تأکید می‌کند که ضمن سازگاری با نقش «ام‌القرایی» آن، حساسیت‌های کمتری را بر می‌انگیزد (توال، ۱۳۸۴: ۶۰).

اگرچه شیعیان در کنار جمعیت محدود اهل تسنن بحرین دست به اعتراضاتی علیه آل‌خلیفه می‌زنند، در شـرایط کنونی، گروه‌های شیعی فعال در این کشـور توانسته‌اند در عرصه افکار عمومی و رسـانه‌ای، قدرتمندتر از پیش شوند. بی‌شک تحولات اخیر در بحرین موجب رشد کیفی شـیعیان در عرصه مشارکت سیاسی غیرمستقیم و نافرمانی‌های مدنی گسترده شده است. این مسـئله نقش شیعیان را در نظم موجود در بحرین مهم‌تر ساخته است (صالحی و ساسانیان، ۱۳۹۲: ۸۱). واضح اسـت که اگر با تحول در بحرین، حاکمیت به‌دسـت شـیعیان بیفتد، موج آن به کل کشـورهای منطقه از جمله عربستان سرایت خواهد کرد. شیعیان عربستان در مناطق اسـتراتژیک و نفت‌خیز قطیف و قنوار زندگی می‌کنند و دارای پیوندهای جغرافیایی و عاطفی با شیعیان بحرین هستند. این مسئله یک تغییر جدی در ژئوپلتیک شیعه در منطقه ایجاد خواهد کرد که به تعدیل حکومت‌های سنی مذهب در منطقه خواهد انجامید که الزاماً باعث نزدیکی حکومت‌های جدید آینده به جمهوری اسـلامی ایران خواهد شد. اهمیت این تحولات به‌دلیل ورود پررنگ عنصر شیعه و تأثیرات آن بر شکل قدرت و سیاست در منطقه خلیج فارس است. بنابرایـن تقویـت و حمایت ایران از نقش عنصر شـیعه در خاورمیانه نه تنها بر اسـاس تقویت زمینه‌های ایدئولوژیک، بلکه در جهت اسـتراتژیک کردن نقش شیعیان در تحولات قدرت و سیاسـت منطقه و از این طریق، تثبیت و تقویت نقش و نفوذ ایران در حوزه‌های رقابت و نفوذ در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص منطقه خلیج فارس اسـت. منطق این اسـتدلال این است که بازی‌های آینده در منطقه خاورمیانه نه تنها بر اساس ایدئولوژی‌ها، بلکه برای تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌ها صورت خواهد گرفت (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲-۱۶۱).

۲. اثبات رویکرد گزینشی آمریکا و اتحادیه اروپا در دفاع از هنجارهای بشردوستانه

نارضایتی شیعیان بحرین از حکومت بحرین نه به‌علت مداخله ایران، بلکه به‌علت وضع نامساعد اقتصادی و کمبود آزادی‌های سیاسـی و وضعیت درجه دوم بودن در بحرین است که به‌جای اینکه با اصلاحات قانونی ۲۰۰۲ «شـیخ حمد» کم و سـبک شود، تقویت شد. بهار عربی نقاط ضعف حقیقی نظام بحرین همچون فسـاد حکومتی و سیاسـت‌های داخلـی مبتنی بر نابرابری اجتماعی را نمایان ساخت. کمیسیون مسـتقل تحقیقاتی درباره ناآرامی‌های بحرین، در نوامبر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

۲۰۱۱ گزارشی مبنی بر این ارائه داد که نیروهای امنیتی بحرین مسئول شکنجه و نقض حقوق بشر بودند (دانز، ۲۰۱۳: ۲۱۶).

بعد از کشتن معترضان توسط نیروهای امنیتی بحرین در فوریه و بعداً در مارس ۲۰۱۱، این اقدامات سرکوب‌گرانه از سوی اتحادیه اروپا مورد چشم‌پوشی واقع شد، این امر در تضاد با اقدامات اتحادیه اروپا در مقابل سرکوب‌های لیبی و سوریه بود. یکی از اقدامات صورت گرفته بعد از سرکوب معترضان بحرینی، توقف موقت صادرات برخی تسلیحات بود. اتحادیه اروپا نتوانست به‌صورت قاطعانه فروش تسلیحات به بحرین را منع کند. این امر منجر به مناظره و بحث در پارلمان اتحادیه اروپا شد؛ به‌طوری که یکی از اعضای پارلمان در ماه مه ۲۰۱۱ پیشنهاد داد که مشابه اقدامی که در مقابل سوریه انجام پذیرفت، اتحادیه اروپا باید تحریم تسلیحاتی را بر بحرین تحمیل نماید. در ژانویه ۲۰۱۳ پارلمان اروپا قطعنامه نقض حقوق بشر در بحرین را تأیید کرد. این قطعنامه عدم پاسخ اتحادیه اروپا به شرایط جاری بحرین را مورد انتقاد قرار داده و خواستار اعمال تحریم‌ها بر اشخاص مسئول در نقض حقوق بشر و ممنوعیت ارسال گاز اشک‌آور و فناوری‌هایی با قابلیت ردیابی معترضان و فعالان سیاسی بود (استین برگ، ۲۰۱۳: ۸۰-۷۹).

برخورد دوگانه آمریکا برای دفاع از حقوق معترضان مردم یمن و بحرین در قیاس با لیبی (تسلیح معترضان و صدور قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت) و صدور قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل علیه ایران در بحبوحه نقض آشکار حقوق مردم بحرین و یمن، به‌وضوح نوعی پارادوکس را در سیاست‌های اعلانی و اعمالی آمریکا نشان می‌دهد (دلاورپور اقدم و فردی پور، ۱۳۹۰: ۱۸). از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران باید با برگزاری همایش‌های بین‌المللی و استفاده از فعالیت‌های رسانه‌ای مناسب، مواضع و استانداردهای دوگانه غرب به‌ویژه ایالات متحده را در برخورد با تحولات منطقه‌ای برای مردم منطقه روشن و آشکار سازد.

۳. گسترش و تقویت نظام‌های مردم‌سالار دینی در منطقه

به‌لحاظ سنتی، عرصه قدرت در کشورهای عرب منطقه، محدود و بیشتر با یک حزب و ایدئولوژی مسلط اداره شده است. از میان ۲۲ کشورعربی، ۸ کشور پادشاهی و مابقی جمهوری هستند. در نظام جمهوری نیز به‌کرات انتخابات ریاست جمهوری تنها با یک نامزد برگزار شده است. این نوع ساختار، ریشه بسیاری از مشکلات داخلی، نقض حقوق بشر و مانع هرگونه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

تغییر مؤثر داخلی به‌شـمار می‌رفته اسـت. مردمان خاورمیانه، نه خود را در دایره تصمیم‌سازی جمعی و مشارکت عمومی حس می‌کنند و نه دولت‌های حاکم را پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیر در قبال اعمال و رفتارشـان می‌دانند. علاوه بـر این، بحران حکومت‌داری در منطقه، زمینه حضور نیروهای خارجی را فراهم سـاخته اسـت. حضور ارتش‌های خارجـی در منطقه خلیج فارس، نه‌تنهـا در حفظ و امنیت آن مؤثر نبوده، بلکه موجد واکنش‌هـای افراطی، تقویت ایدئولوژی بنیادگرایانه و افزایش تشنج در منطقه شده است (امیرعبدالهیان، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

با بررسـی الگوهای مشـروعیت سیاسـی در منطقه خاورمیانه می‌توان دریافت که رهبران نظام‌های اقتدارگرا در قالب‌های مختلف مانند پادشـاهی یا جمهوری بقای نظام سیاسـی خود را بر اسـاس مؤلفه‌های غیرمردمی مانند خاندان‌های سیاسـی، کودتـا و نظامیان و یا پیوندهای خارجی قرار داده‌اند و مردم در مشروعیت‌بخشی به حکام سیاسی نقش چندانی نداشته‌اند. این در حالی اسـت که مردم یکی از ارکان اساسـی مشروعیت نظام سیاسـی و رهبران سیاسی در جمهوری اسـلامی ایران محسوب می‌شوند و اسلامی بودن و مردمی بودن دو پایه مهم انقلاب اسلامی است. به‌عبارتی، مردم‌سـالاری دینی، جمع میان حاکمیت الهی و حق مردم برای رقم زدن سرنوشـت خویش اسـت که در قالب نظام و ساختار حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران و در جلوه‌گاه‌هایی مانند قانون اساسی و اندیشهٔ رهبران و واقعیت‌های جامعهٔ ایران پس از انقلاب اسلامی دیده می‌شود. با توجه به این زمینه‌ها می‌توان گفت مردم‌سالاری دینی از جمله ارزش‌های سیاسـی و دینی جمهوری اسلامی اسـت که انگاره‌ای نو در جهان سیاست به‌شمار می‌رود و در رویارویی با ارزش‌های لیبرال دموکراسـی غربی می‌تواند مزیت نسـبی و رقابتی ایران تعریف شود (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۱).

بی‌شـک یکی از اهداف مهم تحولات بحرین، اصلاح سـاختار سیاسـی به‌منظور افزایش مشارکت مدنی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور است. شعارها و نشانه‌های مورد اسـتفاده در تظاهرات، تفکـرات رهبران و اقبال عمومی مردم به گروه‌ها و احزاب اسـلام‌گرا در این کشـور، ماهیت اسـلامی این حرکت را نشـان می‌دهد. حضور ساختاری مردم‌سالار و اسـلامی، نه‌تنها می‌تواند بر ضریب امنیت سیاسـی جمهوری اسـلامی ایران در منطقه و جهان بیفزاید بلکه زمینه را برای همکاری‌های گسترده‌تر میان جمهوری اسلامی و دولت‌های انتخابی در کشـورهای عربی، فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، دستیابی به اهدافی همچون وحدت میان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

کشورهای اسلامی که از ابتدای انقلاب ایران، همواره یکی از اهداف مورد تأکید جمهوری اسلامی بوده است، تنها در صورت تحقق نظام‌های مردم‌سالار در این کشورها امکان‌پذیر است (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۷۰). بر این اساس، در میان‌مدت و بلندمدت می‌توان شاهد تسلط الگوی مشروعیت سیاسی مردمی شد که در واقع، تقویت‌کننده الگوی مشروعیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه، تثبیت امنیت ملی کشور خواهد بود.

٤. کمرنگ شدن نقش بازیگران رقیب و متخاصم ایران در بحرین

در حال حاضر، با وقوع تحولات بحرین عدم اطمینان فوق‌العاده‌ای خاورمیانه عربی را در برگرفته است. از لحاظ جغرافیای سیاسی، تغییرات سیاسی در بحرین می‌تواند به تغیراتی در موازنه قدرت در منطقه منجر شود و ایران، عربستان، رژیم صهیونیستی و غرب را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به سیاست خارجی آمریکا، تأثیر ناآرامی‌ها شاید نتواند عمیقاً پارامترهای آن را دگرگون کند امّا می‌تواند آن را پیچیده‌تر کند و اسلام‌گرایان ممکن است مستقیماً از تغییرات سیاسی رخ داده سود ببرند (دالا کورا،[1] ۲۰۱۲: ۷۹).

اما شکل‌گیری نظام سیاسی مردمی علاوه بر تقویت الگوی مشرعیت سیاسی مردم‌سالار باعث تغییرات مثبتی در سیاست خارجی بحرین به‌خصوص استقلال بیشتر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور خواهد شد. تاکنون فقدان مشروعیت سیاسی داخلی در بسیاری از کشورهای منطقه باعث حرکت حکومت‌های سیاسی به‌سوی اتحاد و همکاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. این شرایط به شکل‌گیری اتحاد و ائتلاف‌های امنیتی بین حکومت‌های اقتدارگرای منطقه و غرب، مانند کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و آمریکا، در مقابل ایران شد که تهدیدات قابل توجهی را علیه امنیت ملی ایران شکل داده است. دموکراتیزه شدن تدریجی سیاست در بحرین باعث تأثیرگذاری بیشتر ملاحظات ملت مسلمان بحرین در عرصه‌های سیاست خارجی می‌شود که رویکردهای مستقل‌تر و بومی‌تر در جهت گیری‌های سیاست خارجی را باعث خواهد شد. علاوه بر این، مشروعیت و حمایت‌های داخلی در بحرین باعث خواهد شد که این دولت بتوانند بدون اتکا بر قدرت‌های بیرونی به‌صورتی مستقل‌تر در سیاست خارجی عمل کند و موانع موجود برای ایجاد روابطی عادی و دوستانه با ایران را پشت سر بگذارد. این شرایط در دوره زمانی کوتاه‌مدت تا بلندمدت باعث می‌شود ایران با دولتی

1. Katerina Dalacoura.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

معتدل و حتی دوســت در محیط پیرامونی خود روبرو باشــد که بــا تأثیرپذیری کمتر از غرب باعث بهبود شرایط امنیتی محیطی ایران خواهد شد.

مســئله مهم و مثبت دیگر بــرای امنیت ملی جمهوری اســلامی ایــران در نتیجه تحولات بحریــن، دگرگونی در ائتلاف‌هــای منطقه‌ای مخالف و رقیب و شــکل‌گیری تدریجی نوعی از ترتیبــات سیاســی و امنیتی نوین در منطقه خواهد بود کــه در آن بازیگران رقیب و مخالف ایــران نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا خواهند کرد. خروج بحرین از ائتلاف دولت‌های متحد غرب ولو با عدم پیوســتن به محور دولت‌های مستقل در منطقه ســرآغاز این دگرگونی‌ها محسوب می‌شود و می‌توان به‌تدریج و در بلندمدت با ظهور دولت‌های مردمی و مستقل دیگر در سطح منطقه شــاهد شکل‌گیری ترتیبات سیاســی و امنیتی بومی در منطقه بود. این ترتیبات جدید که تأمین‌کننــده امنیت ملی ایران خواهند بــود، نوعی از ترتیبات خواهند بود که در آن بازیگرانی مانند آمریکا، رژیم صهیونیســتی و عربســتان سعودی نقشــی ضعیف ایفا خواهند کرد (مرکز بررســی‌های راهبردی ریاســت جمهوری، nahad.govir.ir). به‌عنوان مثال، با به‌ثمر نشســتن تحولات بحرین به‌سوی ظهور یک دولت مردمی و سقوط حکومت آل‌خلیفه، احتمالاً حضور نظامی عربســتان در خاک این کشــور و تهدید الحاق بحرین به عربســتان منتفی و با مقاومت مردمی روبه‌رو خواهد شد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

نتیجه‌گیری

بـا الگوگیری از رویکرد ترکیبی رهیافت سـوم لی نور جی. مارتیـن در تحلیل تأثیر تحولات بحریـن بر امنیـت ملی ایران و با در نظر گرفتن متغیرهای دخیل در امنیت ملی، شـاخص‌هایی همچون تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه (قابلیت‌های نظامی)، افزایش تنش‌های قومی و مذهبی (مدارای قومی و مذهبی)، تضاد منافع با کشـورهای عربی منطقه (دسترسـی به منابع حیاتی)، تشـدید و تداوم پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی (مشروعیت سیاسی) به‌عنوان چالش‌های امنیتی شناسـایی شدند. همچنین شاخص‌هایی همچون گسترش و تقویت نظام‌های مردم‌سالار دینی (مشروعیت سیاسی)، کمرنگ شدن نقش و حضور بازیگران رقیب و متاخصم (قابلیت‌های نظامی)، اثبات رویکرد گزینشی آمریکا و اتحادیه اروپا در زمینه امور بشردوستانه، و تقویت ژئوپلتیک شیعه و گسترش نفوذ ایران (مشروعیت سیاسی) به‌عنوان فرصت‌های امنیتی پیش روی ایران لحاظ شدند.

نکته اول این اسـت که شـاخص‌های ارائه شـده نه صرفاً نظامی و رئالیستی هستند و نه در قالب رویکردهای لیبرال می‌گنجند، بلکه تا حدودی خاص شرایط ویژه ژئوپلتیکی، تاریخی و ذهنی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس هسـتند. نکته دوم اینکه با توجه به تعریف امنیت ملی در این رویکرد - توانایی یک دولت در اعمال یا جلوگیری از تهدید نسـبت به سه مؤلفه تمامیت ارضی، جامعه و حکومت - بر اسـاس وسـعت تهدیدات و میزان توانایی دولت برای اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به این سه عنصر بالا و با ذکر این نکته که در این رویکرد کشور امن کشـوری اسـت که توان بازدارندگی کامل در برابر این قبیل تهدیدها را داشته باشد، می‌توان ملاحظات ذیل را مد نظر داشت:

همواره تحولات حوزه خلیج فارس اهمیت بسـیاری در آینده سیاسی و جایگاه بین‌المللی ایران داشته است. این حوادث در تعیین روندهای سیاسی داخلی و خارجی آینده ایران تأثیرات ملموس و بسیاری دارد. بر همین اساس، حوادث بحرین، هم از بُعد ملی و هم از بُعد ارزشی - ایدئولوژیک برای ایران حائز اهمیت بسیاری است. سقوط حکومت اقلیت در بحرین می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت شـیعی و گسـترش مناسـبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به‌عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت، محدود شدن دسترسی نظامیان آمریکا به پایگاه‌هایشان در منطقه گردد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

از سـویی، مداخلهٔ نظامی عربسـتان باعث پیچیده و مبهم‌تر شدن بحران بحرین شده است. پس از ورود نیروهای عربستان، رفتار تظاهرکنندگان با نیروهای امنیتی به‌شکل چالش‌برانگیزی تغییر کرد و باعث شد اگرچه ماهیت جنبش فرقه‌ای نبود، به فرقه‌گرایی محدود دامن زده شود. سـکوت آمریکا در قبال مداخلهٔ نظامی عربسـتان و تداوم سرکوب شـیعیان در بحرین توسط آل‌خلیفه و آل‌سعود، احتمال افزایش اختلاف بین شیعیان و اهل سنت را نه‌تنها در بحرین بلکه حتی در منطقه افزایش می‌دهد. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران باید با سیاست‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسـی غرب و کشـورهای عربی مقابله کند و نباید بگذارد که منازعات و رقابت‌های منطقه‌ای رنگ و بوی قومی (ایرانی - عربی) و مذهبی (شیعه - سنی) به خود بگیرد؛ چون این امر ضمن تضعیف قدرت نرم جمهوری اسـلامی ایران در جهان اسلام و افزایش خوراک‌دهی به سیاسـت‌های خصمانه غرب، تداوم حضور آمریکا و تلاش برای سرکوب محور مقاومت را در پی خواهد داشـت. بنابراین ضمن حمایت اعلانی از موج دموکراسـی‌خواهی مردم بحرین از طریق برگزاری همایش‌های بین‌المللی و فعالیت‌های رسانه‌ای، باید رویکرد گزینشی غرب، به‌ویژه آمریکا را، در قبال تحولات منطقه و حقوق بشـر روشـن سازد. از سویی دیگر، ضمن تحکیم روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به‌ویژه از طریق روابط ویژه با عمان و روابـط تنگاتنگ اقتصادی با امـارات متحده عربی به‌عنوان اولین شـریک تجاری ایران، با خروج از فضای امنیتی با توجه به مشـترکات فرهنگی، تاریخی و دینی، به گسـترش و تحکیم روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس پردازد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

کتابنامه

اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) «رفتارشناسی بازیگران تحولات بحرین»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال دوازدهم، بهار، صص ۱۴۵-۱۲۲.

امیرعبدالهیان، حسین (۱۳۹۰) «ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۵۷-۱۳۶.

آدمی، علی (۱۳۹۱) «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، بهار، صص ۱۶۸-۱۴۱.

بازدار، الهام (۱۳۸۹) **بحرین**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

بدیعی ازنداهی، مرجان و سیده‌راضیه مختاری یوسف‌آباد (۱۳۹۱) «بیداری اسلامی در بحرین: ناپایداری حکومت و کارکردهای سیاسی زنان»، **مجموعه مقالات اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی**، تهران: موسسه فرهنگی ابناء روح الله، تابستان.

توال، فرانسوا (۱۳۸۴) **ژئوپلتیک شیعه**، کتایون باصر، تهران: ویستار، چاپ دوم.

چهل‌تنی، سید مهدی (۱۳۹۰) **مجموعه مقالات همایش بررسی ابعاد حقوقی سیاسی جنایت در بحرین**، تهران: کعبه دل.

خواجه‌سروی، غلامرضا، عباس فرهادی و ناهید قمریان (۱۳۹۱) «بیداری اسلامی و جریان‌های اسلامگرا»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، شماره سوم، صص ۳۹-۵.

درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰) «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، **مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات**، سال دوازدهم، شمارهٔ شانزدهم، زمستان، صص ۴۵-۱۰.

دلاورپور اقدم، مصطفی و سعید فردی‌پور (۱۳۹۰) «خیزش‌های مردمی خاورمیانه و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **گزارش راهبردی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران**، شماره مسلسل۱۰۷۴۷، فروردین، صص ۳۵-۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱) «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۲۸، بهار، صص ۱۹۰-۱۶۳.

الزیدی، مفید (۱۳۸۲) «نشانه‌های تحول دموکراتیک در بحرین از امیرنشین به پادشاهی مشروطه»، عبدالرضا همدانی، **مطالعات خاورمیانه**، تابستان، صص ۳۳-۲۳.

صالحی، سید جواد و سعید ساسانیان (۱۳۹۲) «بررسی تغییرات سامانه نظم متأثر از تحولات خاورمیانه با تمرکز بر ژئوپلتیک شیعه در سال ۲۰۱۱»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره دوم، صص ۹۵-۷۳.

عسگرخانی، ابومحمد و محمد بابایی (۱۳۹۱) «امنیت هستی‌شناختی در خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۷۲-۱۵۵.

فرازمند، محمد (۱۳۸۸) «ایران و مناسبات جدید قدرت در خاورمیانه»، **پژوهشنامه ایران و اعراب**،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]

پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۱، صص ۵۷-۳۹.

مارتین، لی نورجی (۱۳۸۹) **چهره جدید امنیت در خاورمیانه**، قدیر نصری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشگاه مطالعات راهبردی، چ دوم.

مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری، «تحولات جهان عرب و امنیت ملی جمهوری اسلامی»، در: http://nahad.govir.ir.

میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۸۳) **راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس**، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.

نیاکوئی، امیر (۱۳۹۰) «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۲۷۶-۲۳۹.

نیکو، حمید (۱۳۹۱) «ماهیّت‌شناسی جنبش سیاسی شیعیان بحرین»، **فصلنامه پانزده خرداد**، دوره سوم، سال نهم، شماره ۳۲، تابستان، صص ۱۴۱- ۱۱۵.

واعظی، محمود (۱۳۸۸) «سخن سردبیر»، **پژوهشنامه ایران و اعراب**، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۱، صص ۲۰-۱۳.

Coates Ulrichsen, K. 2013() "Bahrain's Uprising: Regional Dimensions and International Consequences Stability", **International Journal of Security & Development**, 2(1): 14.

Colombo, Silvia (2013) "The GCC Countries and the Arab Spring, Between Outreach, Patronage and Repression", **the Istituto Affari Internazionali (IAI)**.

Dalacoura, Katerina (2012) "The 2011 uprisings in the Arab Middle East: political change and geopolitical implications", **International Affairs**, Volume 88, Issue 1, January, pages 63–79.

Downs, Kevin (2013) "A Theoretical Analysis of the Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain", **Journal of Politics & International Studies**, Vol. 8.

Katzman, Kenneth (2014) "Bahrain: Reform, Security, and U.S. Policy", **United States Congressional Research service Report**, 14 February, p.p. 1-39.

Knights, Michael (2013) "Rising to Iran's Challenge, GCC Military Capability and U.S. Security Cooperation", **The Washington Institute for Near East Policy**, June.

Pletka, Danielle and Frederick W. Kagan (2014) "America vs. Iran: The Competition for the Future of the Middle East", by the: **American Enterprise Institute for Public Policy Research**.

Steinberg, Guido (2013) "Islamism in the Gulf: the Gulf States and the Arab Uprisings", **FRIDE and the Gulf Research Center**, Editor: Ana Echagüe.

Zakaria, Fareed (2013) "The Saudis Are Mad? Tough! Why we shouldn't care that the world's most irresponsible country is displeased at the U.S", **TIME Magazine**, Monday, 11 Nov.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-03031]